

# دریدا

## چکیده

این مقاله مروری است بر زندگی‌نامه و آثار دریدا و همچنین در این مقاله سعی بر آن شده است تا گوشه‌هایی از اندیشه و بنیان‌های فلسفه‌ی پساساختگرایی از دیدگاه دریدا بیان شود. مفاهیمی چون افزوده، انتشار، تفاوط، تکرار، واسازی و رد که به نام دریدا است، توضیح داده شده است. زبان حقیقی از دیدگاه دریدا، توجیه دریدا در ارتباط با اولویت‌بخشیدن به نوشتار، دال و مدلول از دیدگاه دریدا و نظام زبانی دریدا از مباحثی است که به طور مختصر شرح داده شده است. تاثیرات فلسفه‌ی دریدا در معماری مورد مطالعه قرار گرفته است و همچنین اندیشه‌ی دریدا و عرفان اسلامی از موضوعاتی می باشد که در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: انتشار، تفاوط، دریدا، رد، واسازی

## 1- درآمد

بی‌شک دریدا<sup>۱</sup> یکی از فیلسوفان تاثیرگذار قرن حاضر می‌باشد. ژرفای تفکر او به فلسفه‌ی غرب عمق به‌سزایی داده و افکار او در بیشتر نظام‌های نشانه‌ای نفوذ کرده است. حتی در معماری که محکم‌ترین نظام نشانه‌ای است. در غرب نگاه‌های متفاوتی به او داشته‌اند. یک نگاه پوچ‌گرا که او را یک نیپیلیست قلمداد

---

<sup>۱</sup> . Derrida

می‌کنند و یک نگاه که او را کثرت‌گرا می‌نامند. این مقاله بر آن است تا ابتدا به شرح مختصر زندگی‌نامه‌ی او و سپس به گوشه‌ای از تفکرات این فیلسوف بزرگ بپردازد.

## 2- گذری بر زندگی‌نامه‌ی دریدا

اساس واسازی دریدا پافشاری بر این نکته است که "چیزی بیرون متن وجود ندارد". با این حال به نظر می‌رسد این واقعیت که ژاک دریدا در سال 1930 در الجزایر به دنیا آمد، رها از این‌که در چه قالبی نوشته شود یا فرم متنی آن چه باشد، در برابر یورش واسازی تسخیر ناپذیر می‌ماند. خانواده‌ی او از یهودی‌های خرده‌بورژوازی جذب‌شده‌ای بودند که هم بخشی از طبقه‌ی مهاجرنشین فرانسه به شمار می‌آمدند و هم در میان آنان تقریباً همچون بیگانگان می‌زیستند. او در پایتخت الجزایر یعنی شهر ساحلی الجزیره، بزرگ شد. در سال 1940 زمانی که دریدا تنها ده سال داشت، الجزایر به جنگ جهانی دوم کشیده شد. الجزایر هرگز جنگ یا آلمانی‌ها را به خود ندیده بود، حال تحت سلطه‌ی نازی‌ها بود. در سال 1942 آلبرت کامو که تاثیر بسیار زیادی بر ذهن دریدا داشت، بیگانه‌ی خود را منتشر کرد و هم‌چنین در سال 1943 نیز سارتر هستی و نیستی را منتشر می‌کند و اندیشه‌ی اگزیستانسیالیسم هایدگر را به فرانسوی‌ها معرفی کرد. سارتر، هایدگر و نیچه نیز از فیلسوفانی بودند که دریدا از آن‌ها تاثیر گرفت. در همان روزها بود که به دستور نازی‌ها، اعمال قوانین نژادی آغاز شد و یهودی‌ستیزی پنهان اروپایی‌های ساکن الجزایر را برملا کرد. معلمی در مدرسه به دریدا گفته بود: "فرهنگ فرانسوی‌ها برای یهودیان کوچک ساخته نشده است". این‌چنین، ژاک نوجوان برای مدتی از تحصیلات بی‌بهره ماند. پس از جنگ، با بازگشت مدارس به وضع عادی، دریدا تبدیل به دانش‌آموزی بی‌نظم و ناآرام شد که تنها در زمین فوتبال موفق بود.

نیروی فکری استثنائی دریدا، به رغم سرکشی نوجوانانه‌اش، به قوت خود باقی ماند. در نوزده سالگی او را به پاریس فرستادند تا خود را برای ورود به مدرسه‌ی اکول نورمال سوپریور که معتبرترین نهاد آموزشی فرانسه بود، آماده کند. در سال 1952 پذیرفته شد و پنج سال بعدی را به مطالعه‌ی فلسفه گذراند. او شروع به خواندن دقیق آثار دو چهره‌ای کرد که بیشترین تاثیر را بر سارتر گذاشته بودند: هوسرل و هایدگر. در سال

1957 با مارگریت اکوتوریه ازدواج می‌کند کسی که زمانی در دانش‌سرای عالی هم‌شاگردی‌اش بود و تا پایان عمر با او ماند. او تا سال 1959 در خدمت نظام وظیفه در الجزایر با عنوان معلم در مدرسه‌ی فرزندان نظامیان خدمت کرد. در سال 1960 به فرانسه بازگشت و به تدریس فلسفه و منطق در دانشگاه سوربن مشغول شد. در سال 1962 جنگ الجزایر پایان می‌یابد و به استقلال آن کشور می‌انجامد. و این آغاز "نوستالجریا"ی دریداست. او در همین سال نخستین اثر بزرگش را می‌نویسد: مقدمه‌ای مبسوط بر ترجمه‌اش از سرچشمه‌ی هندسه‌ی هوسرل. در سال 1965 به عنوان مدرس تاریخ فلسفه در "اکول نورمال سوپریور" مشغول به کار می‌شود و در همین سال با مجله‌ی پیش‌روی تل کل همکاری می‌کند. بیشتر متفکرین جدید و پیش‌روی فرانسه در این مجله مطلب می‌نوشتند: بارت، فوکو، کریستوا و دریدا. در سال 1967، سه اثر دوران‌ساز و بیان‌کننده‌ی اندیشه‌هایش: گفتار و پدیدارها، نوشتار و تفاوت، و از گراماتولوژی را منتشر می‌سازد. در اواخر دهه‌ی 60، دریدا تبدیل به چهره‌ی مشهور و سرشناس شد. در هر دو سوی اقیانوس اطلس، واسازی او در حال تبدیل شدن به رسم روز شد. در سال 1972 دریدا به صورت پاره‌وقت در دانشگاه جانز هاپکینز مشغول به تدریس شد. از این زمان به بعد، برای تدریس بین پاریس و ایالات متحده در رفت و آمد بود. در سال 1980 دریدا کارت پستال: از سقراط تا فروید و فراتر را منتشر کرد. در سال 1992 بحث و جدل در دانشگاه کمبریج بر سر اعطای دکترای افتخاری به او در گرفت. او سرانجام در سال 2004 بر اثر سرطان لوزالمعده درگذشت (استراترن، 1389)

### فهرستی از آثار دریدا:

- |                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| 1- سرچشمه هندسه هوسرل، درآمد و ترجمه | 5- بذرفشانی ("بارآوری" نیز ترجمه کرده اند) (1972). |
| (1962).                              |  |
| 2- گفتار و پدیدارها (1967).          | 6- حاشیه‌ها - درباره فلسفه (1972).                 |
| 3- نوشتار و تفاوت (1967).            | 7- مواضع (1972).                                   |
| 4- از گراماتولوژی (1967)             | 8- آوای غم (1974).                                 |

- 9- مهمیزها. شیوه‌های نیچه (1978).
- 10- کارت پستال، از سقراط تا فروید و فراتر (1980)
- 11- فلاسفه و کلام، مصاحبه با روزنامه لوموند (1984).
- 12- اطراف ساحل‌ها (1986).
- 13- درباره روح، هایدگر و پرسش (1987).
- 14- نفس، ابداع‌های دیگری (1987).
- 15- یادمانه‌ها، برای پل دومان (1988)
- 16- مسئله‌ی پیدایش در پدیدارشناسی هوسرل (1990).
- 17- مسیر دیگر (1991).
- 18- اشباح مارکس، دولت و دین، امر سوگ و بین‌الملل جدید (1993).
- 19- سیاست‌های دوستی (1994).
- 20- پرسش‌انگیزی‌ها (1996).
- 21- ایمان و دانش، در پی آن: زمانه و بخشش (1996).
- 22- مذهب (ژاک دریدا و جیانی واتیمو) (1996).
- 23- درباره‌ی مهمان‌نوازی (1997).
- 24- خداحافظ امانوئل لویناس (1997).
- 25- قول، لحظه‌های فلسفی (1999).
- 26- فردا، چه خواهد... گفت و گو با الیزابت رودینسکو (2001).
- 27- مارکس و پسران (2002).
- 28- اشرار، دو رساله در باره‌ی عقل (2003).
- 29- "مفهوم" 11 سپتامبر (دریدا و یورگن هابرماس) (2004)

### 3- دریدا و اندیشه‌ها

در این بخش سعی بر آن شده که تا حد ممکن به تعریف پاره‌ای از اندیشه‌های دریدا پرداخته شود.

#### 1-3- دریدای پس‌اساخت‌گرایی و پدیدارشناسی هوسرل<sup>۲</sup>

---

<sup>2</sup> . Husserl

دریدا را در مقابل هوسرل می‌توان شناخت. هوسرل فیلسوف معاصر در حوزه‌ی پدیدارشناسی است. او یک فیلسوف من‌گرا است. به دنبال سطح حقیقی زبان است. او هم‌چنین تأکید فراوان بر گفتار دارد. معنی از نظر او نیت‌گوینده است و ناب‌ترین شکل را گفتگوی خود با خود می‌داند. زبان را به عنوان میانجی شفاف می‌بیند و تأثیر آن را نادیده می‌گیرد. معنی از دیدگاه هوسرل رابطه‌ای بیناذهنی است. دریدا از هوسرل انتقاد می‌کند و اولویت را به نوشتار می‌دهد. او اذعان می‌دارد که در نوشتار است که زبان استقلال کامل را دارد. هوسرل بر گفتگو و صدا تأکید دارد. اما دریدا روی نوشتار و آن را اثرگذار می‌داند. از دیدگاه دریدا، زبان حقیقی، زبان در انسانی‌ترین شکل خود، زبان در خودکفایت‌ترین شکل خود است. دریدا بر ساختار منحصر به فرد زبان امکان می‌دهد، آن‌گاه که مفهوم از ادراک بی‌واسطه قطع شده است، کاملاً متکی به خود و قائم به ذات عمل کند. (هارلند، 1380)

## 2-3- زبان حقیقی از دیدگاه دریدا

نوشتار، زبان در حد نهایی استقلال خود است، زیرا نوشتار زبان در مکانی‌ترین شکل خود است. نوشتار نه به گونه‌ای غیرمادی و در ذهن، نه گذرا است، بلکه استوار و مانا به شکل علامت‌هایی بر صفحه‌ی کاغذ است. چنین علامت‌هایی لازم نیست با حضور شخص نویسنده جان یابد. برعکس، پدیدآورنده‌ی آن اساساً غایب است یا حتی در گذشته. نوشتار اصطلاحاً یتیم شده است و از همان لحظه‌ی تولد از حمایت پدر خود بی‌بهره مانده است و از دیدگاه خواننده، مادیت نوشتار بر سر راه هر نوع ارتباط مستقیم با هدف نویسنده قرار می‌گیرد. در سمت نویسنده نیز وضعیتی مشابه وجود دارد. برای نویسنده نوشتار به مثابه‌ی مکانی برای ذخیره‌ی مفاهیم، برای به تعویق انداختن آن‌ها، برای خارج کردن آن‌ها از ذهن و نگه‌داشتن‌شان تا زمانی که فراخوانده شوند، عمل می‌کند. (هارلند، 1380)

## 3-3- توجیه دریدا و اولویت نوشتار

دریدا اولویت نوشتار را در نظریه‌ی زبانی خود چگونه توجیه می‌کند؟

1- یکی از استدلال‌هایی را که علیه اولویت نوشتار می‌شود به راحتی می‌توان رد کرد. این بحث که علامت‌های روی کاغذ صرفاً تجلی صداهاى زبان گفتارند، فقط در مورد زبان‌هایی معتبر است که دارای خط آوایی باشند. اما دریدا بر آن است که این استدلال در مورد زبان‌هایی چون چینی و مصری که هرکدام به ترتیب دارای خط اندیشه‌نگار و هیروگلیفی هستند، تصدیق کند. در این خط‌ها نشانه‌های نوشتاری بدون توسل به نشانه‌های گفتاری عمل دلالت را انجام می‌دهند. به لحاظ تاریخی نیز پیدایش این خط‌ها مقدم بر پیدایش خط‌های آوایی بوده است.

2- در ارتباط با رشد زبان کودک که در آن پیدایش گفتار بر نوشتار مقدم است نیز دریدا این پیش‌فرض ما را که شکل اولیه‌ی هر چیزی واقعی‌ترین شکل آن نیز هست، به کلی رد می‌کند. دریدا بر این باور است که واقعیت نوشتار در پی واقعیت گفتار می‌آید، اما فکر گفتار وابسته به فکر نوشتار است یا به عبارت دیگر، نوشتار آن شرایط بنیادی و منطقی است که زبان همیشه سودای آن را در سر داشته است.

#### 4-3- افزوده‌ی<sup>۲</sup> دریدا

با مشاهده چگونگی خوانش دریدا از برخی کلمات، به ویژه در متون فیلسوفان دیگر، پیامدهای عملی این شیوه‌ی تفکر روشن‌تر می‌شود. در مطلب روسو با نام *مقاله‌ای در باب منشاء زبان‌ها* دریدا به کلمه‌ی supplement برمی‌خورد. روسو می‌کوشد نوشتار را صرفاً در حکم چیزی زائد و افزوده، چیزی الحاقی به مفهوم بد کلمه رد کند. اما در زبان به مفهوم عام آن، این کلمه مفهوم دیگری نیز دارد و دریدا این تعریف را از لتری نقل می‌کند: 1. افزودن آن‌چه فقدانش ملموس است، افزودن افزوده‌ی ضروری. با توجه به این تعریف بدیهی است که افزوده به علت آن که اصل فاقد آن است، افزوده می‌شود و لذا، به هیچ رو، زائد نیست. از دیدگاه دریدا، خود این کلمه از آن مرکزیت منفرد ذاتی که روسو می‌خواهد به آن بدهد، پیروی نمی‌کند. (هارلند، 1380)

---

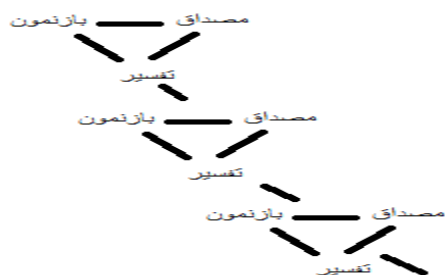
<sup>3</sup> . supplement

### 5-3- دال و مدلول از دیدگاه دریدا

سجودی (1388) در مقاله‌ی خود تحت عنوان "دلالت: از سوسور تا دریدا" این‌طور می‌نویسد:

سوسور زبان را از جهان مصداقی جدا کرد و ما را در نظامی به کلی صوری از دلالت‌ها و ارزش‌های افتراقی وارد کرد، مدلول را حفظ کرد، ولی زمینه‌ی وداع همیشگی با هر نوع نظریه‌ی نام‌گذاری و شیوه‌های پوزیتیویستی را فراهم کرد. هرچند کماکان گرفتار مفهوم متافیزیکی مدلولی حاضر و قطعیت‌بخش باقی ماند. دریدا با ستایش نظرات پرس در باب دلالت بی‌پایان نشانه‌ها بر یکدیگر، زمینه‌ی جدایی دال همیشه دلالت‌گر را از مدلول همیشه به تعویق افتاده و در نتیجه پیوسته غایب فراهم کرد. شاید بتوان گفت در یکی از وجوه بحث سوسور، یعنی ارزش افتراقی نشانه‌ها زمینه‌ی این بحث دریدا فراهم شده بود. به عبارتی پساساختگرایان و به طور مشخص دریدا ساختگرایی را به غایت‌های خود هدایت کرد. ساختگرایی از قبل بذر پساساختگرایی را افشاند.

دریدا اصلا وجود معنا را در هیچ ذهنی نمی‌پذیرد. او برداشت کاملا جدید و غیرعادی از معنا دارد که به هیچ وجه با حرکت از علامت‌های روی کاغذ به مفاهیم و تصاویر ذهنی ارتباط ندارد. دریدا به این مساله‌ی مدلول بیان‌نشدنی پاسخ ساده‌ای می‌دهد. پاسخ دریدا این است که اصلا مدلولی وجود ندارد. اگرچه از نظر دریدا هیچ حرکتی از دال به مدلول وجود ندارد، ولی در هر حال نوعی حرکت از دال به دال وجود دارد. این مدل نشانه‌ای را دریدا از پرسی و مفهوم دال را از سوسور



وام گرفته است.

### 6-3- نظام زبان از دیدگاه دریدا

دریدا می‌تواند مفهوم نظام همزمانی سوسوری را کاملاً رها کند. زیرا او دیگر در پی حفظ این دیدگاه سنتی که کلمه همیشه شبه خود است و در یک جای ثابت قرار دارد، نیست. برای او این تمایزها که یک‌بار برای همیشه در یک نظام بسته، در یک ساختار ایستا ثبت شده‌اند که عملیات همزمانی آن را به‌طور کامل فراگرفته است، دیگر کاربردی ندارد. زبان در منش انتشار، تا بی‌نهایت فاقد توازن و تعادل است. دیگر کلمات همزمان به یکدیگر فشار نمی‌آورند، بلکه به طور متوالی، و در یک زنجیره بر هم عمل می‌کنند. درست مانند مهره‌های دومینو... (هارلند، 1380)

### 7-3- لانگ و پارول دریدایی

مرز دیگری که دریدا از آن گذر می‌کند، مرز بین گفتار و زبان است. در تمایز و تعویق، کلمه‌ای که بیان شده است؛ برای مثال، pharmakon با به تعویق انداختن کلمات بیان‌نشده مثل pharmakos موجودیت می‌یابد و لذا هرگاه این تعویق‌اندازی جریان می‌یابد، نیروی واحدی از واژگانی که در وضعیت حاضر قرار دارند، گذشته و به واژگانی می‌رسد که در وضعیت غایبند، از افلاطون به‌طور خاص عبور کرده و به زبان یونانی به‌طور عام می‌رسد، از گفتار به لانگ گذر می‌کند. نظریه‌ی زبانی دریدا حال می‌تواند به واقع زبان (لانگ) را از دل گفتار (پارول) به وجود می‌آورد. (هارلند، 1380)

### 8-3- انتشار و اثرات آن

دریدا درباره‌ی انتشار می‌گوید:



معنای معنا... استلزام بی‌پایان است، ارجاع بی‌پایان دالی به دال دیگر... نیروی آن نوعی ابهام ناب و بی‌پایان است که لحظه‌ای سکون به معنای مدلول نمی‌دهد، بلکه بی‌وقفه آن را در نظام خود درگیر می‌کند، به ترتیبی که در همه حال باز دلالت می‌کند و باز به تعویق می‌افتد.

دریدا این حالت را انتشار می‌گوید. انتشار حالت عدم تحقق بی‌پایان معناست که در غیاب همه‌ی مدلول‌ها وجود دارد. دریدا با حذف مدلول، آخرین ابزار کنترل انسانی بر زبان را کنار می‌گذارد. در غیاب همه‌ی مدلول‌ها، زبان در نوع خود نوعی انرژی و خلاقیت می‌یابد که کاملاً از انرژی و خلاقیت ذهنی نویسندگان و یا خوانندگان منفرد متمایز است. این انرژی و خلاقیتی است که هر نویسنده یا خواننده فقط می‌تواند خود را از آن رها کند. در انتشار زبان به گونه‌ای عمل می‌کند که از مسئولیت اجتماعی و بی‌مسئولیتی فردی اجتناب می‌کند. در انتشار، یک سطح پیش‌بینی‌ناپذیر و قانون‌گریز در زبان مشاهده می‌شود و همه‌ی معانی خاص و انعطاف‌پذیر سطح معمول و مهارشده توسط جامعه برهم می‌ریزد. منش زبان، منش هستی واقعی نشانه از دیدگاه پساساخت‌گرایان چنین است. (هارلند، 1380)

### 9-3- تفاوت<sup>۴</sup>

نظریه‌ی دریدا بر پایه‌ی تمایز و تعویق است. این واژه به همین منظور ابداع شده است. این واژه از فعل differer در زبان فرانسوی می‌آید و بیانگر نوعی ناهمانندی، یعنی تمایز، عدم برابری یا ناهمسانی (to differ) و از سوی دیگر به معنای به تعویق انداختن (to defer) یعنی موکول کردن آن‌چه در زمان حال تحقق نیافته به بعد. به طور مثال کلمه‌ی یونانی pharmakon هم به معنای زهر است هم دارو و این را افلاطون در مکالمه‌ی فایدروس برای نوشتار به کار برده است. دست‌کم ترجمه‌های استاندارد آن را زهر ترجمه کرده‌اند. اما دریدا خوانش جدیدی به آن افزوده و آن دارو است. البته او پا را فراتر از این‌ها می‌گذارد. این واژه به معنای داروی آب‌گونه است و تداعی رنگ و عطر را می‌کند و این‌ها نیز تداعی مواد آرایشی بازیگران دوران باستان و حتی در زنجیره‌ی دیگر، pharmakon، کلمه‌ی pharmakos که هم‌ریشه‌ی آن

---

<sup>۴</sup> . difference

است را به ذهن می‌آورد و این کلمه یعنی جادوگر و خوانش‌های دیگر... البته محدودیات عملی مانع از روند تا بی نهایت خوانش می‌شود. در صورتی که از لحاظ نظری محدودیتی نیست. (هارلند، 1380)

### 10-3- ترجمه و تکرار<sup>5</sup> از دیدگاه دریدا

نجومیان (1382) در *درآمدی بر شالوده‌شکنی* خود می‌گوید:

دریدا در زمینه‌ی ترجمه که خود از وام‌داران بنیامین به شمار می‌رود، می‌گوید که ترجمه در یک رابطه‌ی پارادوکسی با متن قرار دارد. از سویی متن اصلی از هر کنش خواندن یا ترجمه می‌خواهد که به فردیت آن احترام بگذارد و از سوی دیگر متن اصلی برای باقی ماندن برای ادامه‌ی حیات خود به عنوان یک متن، نیازمند خواندن مکرر و ترجمه است، به عبارتی ترجمه بقای متن اصلی را تضمین می‌کند. در نتیجه کنش خواندن، کنش مداوم ترجمه متن در زمینه‌های در حال تغییر است. ترجمه در واقع در پی دوباره‌نویسی متن اصلی است. حال به متن ادبی بازگردیم. متن ادبی از نظر دریدا هم قابل خواندن است و هم غیرقابل خواندن است. قابلیت خواندن به تکرار متن و چندیت آن اشاره دارد و غیرقابل خواندن به فردیت و یگانگی آن...

برای توضیح بیشتر دریدا امضاء را مثال می‌زند:

امضاء؟ امضاء به مفهوم عام آن، علامتی است که قابل تکرار نیست و یگانه است. امضاءکننده هیچ‌گاه قادر نیست دقیقاً آن را تکرار کند. امضاء انگار گویی از نظام دلالت در حال گریز است. اما آیا امکان دارد؟ هیچ چیز در واسازی نمی‌تواند از این نظام بیرون بماند، یا به قول دریدا: "هیچ چیز بیرون متن نیست". اما نکته‌ی ظریف در این است که اگر امضاء آن را به سوی چندیت سوق می‌دهد و چندیت آن، نفی فردیت آن نیست. این است نمونه‌ای از واسازی تقابل افلاطونی.

---

<sup>5</sup> . iterability

<sup>6</sup> . signature

### 11-3- واسازی<sup>۷</sup> و متافیزیک حضور

چیزی که او راجع به آن بحث می‌کند، نفی متافیزیک حضور است که اشتباها بر اساس لوگوس محوری بنا شده است و از این فکر نشات می‌گیرد که وقتی شما معتقد به چیزی که حاضر است برتر از آن چیزی است که غایب است مانند برتری گفتار بر نوشتار. همیشه در فلسفه‌ی غرب دو قطب وجود داشته است. دو قطب متضاد هم و رابطه‌ی آن‌ها استعاراً دشمنانه است و بر روی عقیده دوتایی افلاطونی واقع شده است. این سیستم بسیار مصنوعی و غیرقابل‌انعطاف است. همه چیز ثابت است و این یعنی متافیزیک حضور. اما از دیدگاه دریدا وقتی دال‌ها بازی می‌کنند، ما با چندمعنایی به گونه‌ای مواجه می‌شویم. در این حالت ابهام سلطه دارد که ویژگی معناست. قطبیت ساختارشکن و نابود می‌شود. چندگانگی ایجاد می‌شود و نوشتاری را می‌سازد که محال است به معنی ثابتی ما را سوق دهد.

### 12-3- رد<sup>۸</sup>

ارجاع دال‌ها به یکدیگر و تعویق یا تعلیق معنا یا همان زنجیره‌ی ارتباطی بین متن‌ها و درون متن که دریدا از آن تحت عنوان رد یاد می‌کند. در نظریه‌ی دریدا دال‌ها قبل از آن که چیزی باشند، دلالت می‌کنند، آن‌ها به ورای خود دلالت می‌کنند حتی قبل از آن که خود باشند. در واقع رد را باید متقدم نسبت به جوهر (هستی) دانست. (هارلند، 1380)

### 4- دریدا و معماری

نجومیان (1383) در مقاله‌ی خود با عنوان "نشانه‌شناسی پسا ساخت‌گرا: واسازی (دیکانستراکشن) در معماری پیتز آیزنمن" این‌طور می‌نویسد:

---

<sup>7</sup> . deconstruction

<sup>8</sup> . trace

ساخت‌گرایی با ارائه‌ی الگوهای زیربنایی بیش از چهار دهه بر تمامی حوزه‌های علوم انسانی مسلط بود. اما این رویکرد، در دهه‌ی 1960 توسط چند متفکر فرانسوی، از جمله دریدا، بارت و فوکو به شکلی جدی نقد شد. این متفکرین با این‌که هنوز با زبان نشانه‌شناسی ساخت‌گرا و اصطلاحات آن، از جمله دال و مدلول، هم‌نشینی و جانشینی، در زمانی و هم‌زمانی و زبان و گفتار سخن می‌گفتند، ویژگی نشانه را مادی، روندی و بینامتنی اعلام کردند و منطق حاکم بر تقابل‌های دوگانه‌ی ساخت‌گرایی را پارادوکسی دانستند.

ژاک دریدا درون و بیرون متن را برخلاف نظر ساخت‌گرایان از یکدیگر مجزا نمی‌پندارد و سعی در نشان‌دادن این نکته دارد که درون متن همیشه از بیرون مورد تهدید است و بالعکس. واسازی به زعم دریدا در متن از این رو اتفاق می‌افتد که دال‌ها به مدلول نهایی نمی‌رسند و ما همواره معنی را در چند قدمی خود می‌بینیم، بدون این‌که امکان دستیابی کامل به آن فراهم باشد. از این‌رو، خوانش همیشه خوانش اشتباه تلقی می‌شود و معنی در زایش دائم است.

در این مقاله اشاره شده است معمارانی چون پیتر آیزنمن در کارها و ایده‌های خود سراغ واسازی دریدا رفته‌اند و به خلق آثار بدیعی و به‌گونه‌ای پساساخت‌گرا سعی کرده‌اند. معماری پست‌مدرن برخلاف معماری کلاسیک که به انسجام و وحدت اصرار می‌ورزد، به واسازی نشانه‌های منسجم این دیدگاه یعنی دیدگاه کلاسیک می‌پردازد. در بناهای پیتر آیزنمن به جای احساس آرامش و امنیت، تشویش، نگرانی و اضطراب دیده می‌شود. در ساختار بنا از ارائه‌ی یک مرکز یا محور مشخص برای آن خودداری می‌شود. عناصر اولیه، پایه‌ای و زیرین بنا در این معماری بر سطح قرار می‌گیرند و عدم انسجام با یکدیگر را به رخ می‌کشند.

## 5- اندیشه‌ی دریدا و عرفان اسلامی

پاکتچی (1386) در مقاله‌ی خود با عنوان "واسازی دریدا در برداشت آشنایان با سنت‌های عرفانی شرقی" این‌طور می‌نویسد:

در رویکرد به سوی همسان‌یابی‌ها میان اندیشه‌های دریدا و عرفان اسلامی، پیش از همه باید از جستجوی آلمند به دنبال بنیادهای همسان میان اندیشه‌ی تحیر دریدا و حیرت ابن عربی یاد کرد. برای ابن عربی، حیرت پیش درآمدی برای مواجهه با واقعیت است. اگر ساخته‌های عقلی، حجابی برای درک ما از خداوند باشند و اگر تحیر به معنای از کار انداختن قوای عاقله ما باشد، در این صورت تحیر دیگر نه نشانه‌ای از عجز روحانی و بی‌سامانی بلکه بیشتر یک توانایی برای دانایی درست‌تر درباره‌ی خدا خواهد بود. وی در مقام مقایسه با دریدا، نوشته او با عنوان "همه دیگری" را مورد توجه قرار داده و سخن او درباره‌ی این‌که ما تنها وقتی متحیر شده باشیم، نیم‌نگاهی به دیگر داریم، را تحلیل کرده است. هم برای دریدا و هم برای ابن عربی، نکته‌ی اساسی چنین است: وقتی ما متحیر شده باشیم، چیزهایی را می‌بینیم که در حالت عادی از نظرمان دور است، در حالت عادی ما فکر می‌کنیم می‌دانیم که چه می‌کنیم و تنها راه دور شدن از این جهل مرکب، پای نهادن به عرصه‌ی حیرت است. چنانچه که برخی از مفسران فلسفه‌ی دریدا را مانند کاپیتو آورده‌اند، اندیشه‌ی دریدا سراسر فلسفه‌ی دیگر بودگی و عنایتی بی‌وقفه نسبت به دیگری است. از منظر فلسفه‌ی دیگر بودگی دریدا، غایت دین آن است که ما را از خودمحوری ناشی از خودشیفتگی برهاند. و به دیگربودگی- خدا- بگرایاند. بدین ترتیب، ارتباطی دیگر میان اندیشه‌های دریدا و اندیشه‌های عرفانی به میان می‌آید و آن ترک انانیت و انسلاخ از وجود است که به طور گسترده در عرفان اسلامی ریشه دارد.

## مروری بر مقاله

در این مقاله سعی شد تا ابتدا مختصر سخنی در ارتباط با زندگی‌نامه و آثار دریدا بیان شود. از اندیشه‌های او سخن به میان آمد. مفاهیمی چون افزوده، انتشار، تفاوط، تکرار، واسازی و رد توضیح داده شد. زبان حقیقی از دیدگاه دریدا، توجیه دریدا در ارتباط با اولویت بخشیدن به نوشتار، دال و مدلول از دیدگاه دریدا و نظام

دریدا مختصر شرح داده شد. تاثیرات فلسفه‌ی دریدا در معماری و همچنین اندیشه‌ی دریدا و عرفان اسلامی نیز از موضوعاتی بود که در این مقاله به آن پرداخته شد.

## کتاب‌نامه

استراترن، پل، *آشنایی با دریدا*، ترجمه‌ی پویا امینی (تهران: نشر مرکز، 1389).

پاکتچی، احمد، "واسازی دریدا در برداشت آشنایان با سنت‌های عرفانی شرق"، در مجموعه‌ی مقالات هم‌اندیشی بارت و دریدا، به کوشش امیرعلی نجومیان (تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، 1386)، صص 35-47.

دریدا، ژاک، *درباره‌ی گرامسکولویژی*، ترجمه‌ی مهدی پارسا (تهران: رخداد نو، 1390).

رویل، نیکلاس، *ژاک دریدا*، ترجمه‌ی پویا امینی (تهران: نشر مرکز، 1388).

نجومیان، امیرعلی، "نشانه از دیدگاه دریدا"، پژوهش‌نامه‌ی فرهنگستان هنر، ش 1 (1385)، صص 22-32.

نجومیان، امیرعلی، "در آمدی بر شالوده‌شکنی"، کتاب‌ماه ادبیات و فلسفه (اردیبهشت 1382)، صص 50-59.

نجومیان، امیرعلی، "نشانه‌شناسی پساساخت‌گرا: واسازی (دیکانستراکشن) در معماری پیترو آیزمن"، مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، به کوشش فرزانه سجودی (تهران: فرهنگستان هنر، 1383)، صص 41-58.

هارلند، ریچارد، *دریدا و مفهوم نوشتار*، ترجمه‌ی فرزانه سجودی (تهران: انتشارات سوره مهر، 1380).